



## تحلیل سبک‌شناسانه دو نامه سلطانی کتاب ریاض الانشاء

علیرضا حاجیان نژاد<sup>2</sup>

ORCID: 0000-0002-5238-3037

حسنیه رشیدی فیض آباد<sup>1</sup>

ORCID: 0000-0003-0262-1321

## چکیده

دوره تیموری با این‌که از جهت کیفیت آثار، در شمار ادوار برجسته ادبی ایران نیست، اما از جهت بسیاری ادیبان و شاعران و گسترش ادب، دوره‌ای ممتاز و شایان توجه به شمار می‌رود. مترسلان و منشیان در حفظ شیوه پیشینیان خود کوشش و آثاری متکلفانه خلق می‌کردند. رقابت در آوردن آرایه‌های ادبی و الفاظ عربی، در واقع در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم به اوج خود رسید. یکی از مهم‌ترین انواع نوشته‌های این دوره، منشآت عمادالدین گاوآن است. در این پژوهش، ابتدا سیر تحول نامه‌های دیوانی از پیش از اسلام تا دوره تیموری بررسی شده است؛ سپس نامه‌های کتاب ریاض الانشاء به دو بخش سلطانی و غیر سلطانی تقسیم شده است. در این مرحله، دو نوع از نامه‌های سلطانی مشخص شده است: 1. نامه‌های سلطانی‌ای که هر دو طرف آن پادشاه است؛ 2. نامه‌های سلطانی‌ای که منشی برای سلطان نوشته است. نامه شماره 86 برای گروه اول و نامه شماره 62 برای گروه دوم انتخاب شده است. در نهایت این دو نامه از نظر ارکان نامه‌های سلطانی و ویژگی‌های سبکی مقایسه خواهد شد. تفاوت‌های مهمی میان سبک این دو نوع نامه سلطانی وجود دارد: طول نامه‌ها، میزان استفاده از آرایه‌های مختلف بیانی و بدیعی، نکات زبانی و نحوی، مهم‌ترین تفاوت‌های این دو نامه است.

واژه‌های کلیدی: دوره تیموری، نامه‌نگاری، عمادالدین گاوآن، نامه‌های سلطانی، ریاض الانشاء

20 / 10 / 2020: تاریخ ارسال

25 / 12 / 2020: تاریخ پذیرش

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران: rashidi.sho@gmail.com

<sup>2</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران: hajiannjd@ut.ac.ir



## Stylistic analysis of the two Royal letters in *Riad-ul- insha*

Hosnieh Rashidi Feizabad<sup>3</sup>

ORCID: 0000-0003-0262-1321

Alireza Hajiannejad<sup>4</sup>

ORCID: 0000-0002-5238-3037

### Abstract

The “Timur” period, although not one of the prominent literary periods in Iran in terms of the quality of its works, But for many writers and poets and the spread of literature, it is a privileged and noteworthy period. Correspondents worked diligently to maintain the style of their predecessors and created compelling works. The competition for literary arrays and Arabic words actually peaked in the late seventh and early eighth centuries. One of the most important types of writings of this period is the letters of Imad-ul- din Mahmoud Gavan. In this study, first, the course of royal letters from pre-Islamic to the “Timur” period has been studied; then the letters of *Riad-ul- insha* book are divided into two parts, royal and non-royal. At this stage, two types of royal letters are identified. 1. Royal letters that both sides are king. 2. 2. Royal letters that the letter writer wrote to the king. Letter No. 86 has been selected for the first group and Letter No. 62 for the second group. Finally, these two letters will be compared in terms of the elements of Royal letters and stylistic features. There are important differences between the styles of these two types of Royal letters: the length of the letters, the amount of use of different literary arrays, linguistic and syntactic points, are the most important differences between these two letters.

**Keywords:** “Timur” period, Correspondence, Imad-ul- din Mahmoud Gavan, Royal letters, *Riad-ul- insha*

**Received Date:** 20/10/2020

**Accepted Date:** 25/12/2020

---

<sup>3</sup> PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Kish International Campus, University of Tehran, Iran: rashidi.sho@gmail.com

<sup>4</sup>Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Iran: hajiannjd@ut.ac.ir

**You can refer to this article as follows:**

FEIZABAD, H. R. and HAJIANNEJAD, A., ‘ Stylistic analysis of the two Royal letters in *Riad-ul- insha* ‘*Academic Journal of History and Idea*, V. 7, N. 4. 2020, p. 2555-2577.

## **Чаша Джамшида в мифологии и мистицизме с опорой на онтологию**

**Хафиза**

### **Резюме**

Чаша Джамшида онтологически была зашифрована на создание мира, является одним из символических предметов в мистической культуре и часто встречается в древних иранских текстах. Она обладала силой и способностью отражать события, произошедшие с незапамятных времен, и реальность, а также после определенных ритуалов показывала скрытые тайны мира. Несмотря на различные интерпретации, ширина и глубина чаши доподлинно неизвестна. Одним из авторов, часто обращавшихся к теме Джам-э-джам, является Хафиз. Ее существование он расценивал как божественную установку, направленную во вселенную. Эта установка была призвана избавить людей от заблуждений и ввести их в мир невидимого и экстрасенсорного. Так как значение доверия к жизни и вере человека зависит от определяющих его поведение интуиции и установок, то пока угол зрения у человека не изменится, его поведение будет управляемо. В данной статье, в первую очередь, рассматривается символизм Чаши Джамшида, далее ее корни в персидском и исламском мистицизме. Напоследок, исследуется появление Чаши в литературных и мистических произведениях, ее мистическая роль в онтологии Хафиза и ее образовательная функция в человеческом бытии.

**Ключевые слова:** Чаша Джамшида, символическое тело, Хафиз, онтология, символ.

**Получено: 20/10/2020**

**Принято: 25/12/2020**

## مقدمه

ترسل یا نامه‌نگاری در تاریخ زبان و ادبیات فارسی از سابقه‌ای دیرپا برخوردار است و چه در قالب نثر و چه در قالب نظم از جمله فنون نگارش به حساب می‌آید. رسائل برجا مانده به زبان فارسی، از دوره‌های تاریخی گوناگون می‌توانند به لحاظ ظرفیت‌های بالقوه ادبی نظیر نکات دستوری، گنجینه واژگان، صنایع ادبی و البته سبک‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل پژوهشگران واقع شوند. استخراج اطلاعاتی نظیر تشکیلات و سلسله‌مراتب دیوانی، تدبیر ملک و کشورداری یا حتی شرح احوال طبقات اجتماعی مانند ادبا، علما و هنرمندان در عصر تیموری و تحلیل و بررسی جنبه‌های ادبی آن‌ها و همچنین معتقدین به بعضی فرق مذهبی از جمله نتایج قابل توجه تحقیق پیرامون سیر تطور ترسل و نامه‌نگاری در ادوار تاریخی گوناگون.

### • ترسل پیش از اسلام

در دوره پیش از اسلام نظام دیوانی و نگارش رسالات از توسعه چشم‌گیری نسبت به سایر ملل هم‌عصر خود برخوردار بوده است. یکی از مصادیق این ادعا، نظام دیوانی پیشرفته و سریع هخامنشیان بوده است. همچنین مجموعه‌ای متشکل از سیزده نامه به گویش آرامی موجود است که قدیم‌ترین شواهد موجود از مکاتیب رسمی ایران مربوط به پیش از اسلام است. مکاتیبی که از دوره ساسانیان به دست ما رسیده بیشتر از دوره‌های دیگر است چراکه آغاز بزرگ‌ترین دوره تمدن ادبی و فلسفی ایران محسوب می‌شود. از مکاتیب برجای مانده از این دوره می‌توان نامه‌های اردشیر، نامه تنسر، نامه‌های خسرو انوشیروان، نامه منسوب به خسرو پرویز در پاسخ شیرویه را نام برد. به گفته جهشیاری ملوک ایران، دبیران را بر دیگران مقدم می‌داشتند و فضل این صنعت را می‌شناختند و آنان را به بالاترین مقام می‌رسانیدند و می‌گفتند: دبیران موجب نظام کشور و کمال ملک و بهاء سلطنت و السنه ناطقه ملوک و نگاهبان املاک و امان رعیت و بلادند.<sup>5</sup> رئیس دبیران یا «دبیربد» با دارا بودن مقامی مشابه با صاحب‌دیوانی رسالت در دوره اسلامی در شمار یکی از وزیران به حساب می‌آمده است.<sup>6</sup>

### • ترسل پس از اسلام

در اوایل ظهور اسلام، مسلمانان می‌توانستند به حضور خلیفه برسند و به حل مشکل خود بپردازند؛ یعنی امور خلافت و کشورداری در این دوره با حضور خلیفه حل می‌شد و نیازی به وزیر، دبیر و دیوان نبود اما پیچیدگی امور کم‌کم خلفا را ناچار به ایجاد دیوان و ارجاع بسیاری از امور به دیوانیان کرد و در واقع از

<sup>5</sup> Mouhammad ibn-e abdous Jahsheyari, *Alvouzara val kouttab*, Beyroot: Dar-ul- fikr-il- hadith, 1348, p. 4.

<sup>6</sup> Arthur Emanuel Christensen, *Iran dar zaman-e Sasanian*, Ibn-e sina, Tehran 1345, p. 84.

زمان عباسیان بود که دیوان‌ها به وجود آمدند. در این حال، با توجه به شوکت پادشاهی ساسانیان و تجربه ایرانیان، تازیان کسانی را بهتر از ایرانیان جهت سروسامان دادن امور نیافتند، و لذا بیشتر دبیران دوره پس از اسلام نیز از ایرانیان بودند از این‌رو بنیاد اداره دولت و دیوان‌های حکومت‌های پس از اسلام بر شالوده دیوان ساسانیان گذاشته شد.

تأسیس دیوان در دوره اسلامی را در اصل به خالد بن برمک، وزیر سفاح، خلیفه اول عباسی نسبت می‌دهند، که پیش از آنکه اسلام بپذیرد و به دستگاه خلافت راه یابد مذهب زرتشتی داشته، لذا به آداب و رسوم تاریخ ایران و دستگاه اداری ساسانیان آشنایی کامل داشت و بنیاد اداره‌ی دولت عباسیان و دیوان‌های آن را بر شالوده اداری ساسانیان گذاشت.<sup>7</sup> بنابراین می‌توان گفت که دستگاه دیوانی ساسانی را عرب‌ها به‌طور کامل تقلید کردند و هرچند که بی‌گمان تعدیلات و تغییراتی اعمال داشته‌اند ولی در اساس الگویی از آن را پیاده کرده و ادامه دادند. این نکته را هم باید اضافه کرد که نفوذ ایرانیان نه‌تنها در قالب ایجاد مناصب یا تشریفات حکومتی و دیوانی نمودار شد، بلکه نظریاتی مربوط به حکومت و دیوان جلوه‌گر گشت که بر پایه‌ی آن‌ها جزئیات امور اجرا می‌شدند.<sup>8</sup>

از قدیمی‌ترین مکاتیب عربی موجود، نامه‌هایی است که پیامبر اکرم به پادشاهان و اقبشار مختلف نوشته و آنان را به اسلام دعوت نموده است. مانند مکتوبات پیامبر اکرم به قیصر روم و خسرو پرویز و یا پاسخ‌هایی که به نامه‌های آنان داده است که در کتب تاریخی نقل شده‌اند. با بررسی آثار مذکور و همچنین نامه‌های خلفای راشدین و قسمت اعظم دوره بنی‌امیه می‌توانیم به اسلوب مکاتیب این دوره پی ببریم، کتابت نامه‌ها در این دوره در نهایت ایجاز و اختصار بود، نویسندگان سعی می‌کردند با سهل‌ترین الفاظ مقصود خود را کنند تا حفظ آن آسان باشد.<sup>9</sup>

از اواخر قرن اول هجری و اوایل قرن دوم هجری، با توجه به نفوذ ایرانیان آشنا به فرهنگ و ادبیات پهلوی و اسلوب نامه‌نگاری دوره‌ی ساسانی به دربار و دیوان‌های عرب، در نثر عربی تحولی رخ داد که به دنبال آن فن ترسل و انشاء به مرحله جدیدی گام نهاد و به شیوه‌ای درآمد که اعراب با آن آشنایی نداشتند.<sup>10</sup> از جمله کسانی که باعث تغییر و تحول در نثر مکاتیب عربی شدند و برای کتابت آن نظام و آدابی ایجاد کردند، می‌توان از ابوالعلاء سالم ایرانی، مولی و کاتب هشام بن عبدالملک، و نیز جبله بن سالم بن عبدالعزیز، استاد عبدالحمید کاتب نام برد.<sup>11</sup>

<sup>7</sup> A. E. Christensen, *Ibid.*, s. 247.

<sup>8</sup> Richard Frye, *Asr-e zarrin-e farhang-e Iran*, seda va sima-ye Iran, Tehran 1363, p. 167.

<sup>9</sup> Assad-ullah Vahid, *Az makatib-e rasool ta rasayel-e abd-ul- hamid va ibn-ul- amid*, daneshgah-e tarbiat mouallim, Sabzevar 1381, p. 357.

<sup>10</sup> Mouhammad Mouhammadi, *Farhang-e Irani pish az Islam va asar-e an dar tamaddon-e Islami va adabiat-e arabi*, Tous, Tehran 1374, p. 322.

<sup>11</sup> Assad-ullah Vahid, *Ibid.*, p. 359.

به عقیده تاریخ‌نویسان و مؤلفین عرب، این تحول که تقریباً دو سده به درازا کشید، با ظهور دو نویسنده بزرگ یعنی ابن مقفع و به‌ویژه عبدالحمید رخ داد. تحولی که از آن سخن به میان آمد از اوایل سده دوم هجری به‌وسیله نویسندگان ایرانی نژاد در اسلوب مکاتیب عربی ظاهر گشت و موجب شد ترسل از ایجاز به اطناب گراید. آغاز این دگرگونی را که «اسلوب فارسی»<sup>12</sup> بنیان آن بود از دوره هشام بن عبدالملک (م ۱۲۵ ه.ق) و توسط کاتب او ابوالعلاء سالم ایرانی (استاد عبدالحمید) دانسته‌اند.<sup>13</sup>

با ظاهر شدن ابن عمید (م 360 ه) در عرصه کتابت توجه به لفظ و صنایع بدیعی فزونی گرفت و فن نگارش وارد مرحله تازه‌ای شد. ترسل عربی که تا پیش‌ازین (نیمه دوم قرن سوم) با بیانی ساده و به‌دوراز آرایش‌های لفظی بیانگر معنی به وجهی روشن بود، با تنوعی که ابن عمید ایجاد کرد رنگی دیگر یافت. وی سجع و دیگر صنایع لفظی را به‌طور گسترده به کار گرفت و با تأثیر بخشیدن تفکر ایرانی در کتابت عربی آغازگر شیوه‌ای نوین گشت که بعدها به نثر فنی معروف شد.

با روی کار آمدن سامانیان، چراغ نیم مرده فارسی نیرو گرفته و رفته‌رفته با حمایت امیران این دودمان و شاعران و نویسندگان، پرفروغ گشت، ولی باید متذکر شد که توجه سامانیان به زبان فارسی بدان معنا نبود که زبان عربی به حالت فترت درآید، بلکه معارف اسلامی در این دوره در خراسان به تازگی پیش می‌رفت. بسیاری از محققان به حضور زبان فارسی در کنار زبان عربی در دیوان‌های سامانیان تأکید دارند. بارتولد در این زمینه می‌نویسد: در اسناد رسمی دولت سامانی به‌موازات عربی، زبان فارسی که دری (درباری) نامیده می‌شد، به کار می‌رفت.<sup>14</sup>

در میان حکومت‌های مختلف ایران پس از اسلام دوران غزنویان شاید بهترین دوره اوج و شکوفایی اداره و دفتری با عنوان «دیوان رسالت» بوده است، به‌ویژه از این‌جهت که «ابوالفضل بیهقی» در شاهکار ادبی-تاریخی خود، هر چه روشن‌تر نقش و نفوذ این دستگاه کوچک اداری را در حکومت بزرگ غزنویان بیان کرده است. در حقیقت هر چه درباره چنین سازمانی سخن گفته شود بیشتر برمی‌گردد به دوران گذشته و به‌ویژه دوره غزنوی، زیرا پس از آن‌ها در حکومت سلجوقیان، هم عنوان این سازمان تغییر کرد و هم از میزان نفوذ و قدرت سیاسی دبیران آن کاسته شد و در دوره سلجوقی با نام «انشا و طغرا» بیشتر شهرت داشته است.<sup>15</sup>

از اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم به بعد با از میان رفتن تربیت‌یافتگان دوره‌های گذشته و شاگردان آن‌ها، شیوه پیشین نثرنویسی دگرگون‌شده و کم‌کم تأثیر تربیت و پرورش اقوام غالب حتی مغول نیز، خود را

<sup>12</sup> Mouhammad ibn-e abdous Jahsheyari, *Ibid.*, p. 21.

<sup>13</sup> Houssein Khatibi, *Fane nasr dar adab-e parsi*, Zovvar, Tehran 1386, p. 105.

<sup>14</sup> Assad-ullah Vahid, *Ibid.*, p.124.

<sup>15</sup> Mouhammad Mahdi Rokni Yazdi, *Divan-e resalat va aein-e dabiri az khelal-e tarikh-e beyhagi*, daneshgah-e ferdousi-e Mashhad, Mashhad 1374, p. 253.

نشان داد. این دگرگونی که در ظرف حدود یک صدسال خود را می‌نمایاند، باعث شده بود سبک نویسندگی با دوره‌های پیشین تغییر اساسی پیدا کند. با نگاهی به آثار این دوره می‌بینیم که «تقلید عصر خوارزمی از میان رفته است و مکتبی نو و پرورشی تازه در نویسندگی روی نموده است و ساده‌نویسی بر نوشته‌های فنی قدیم رجحان یافته است.»<sup>16</sup>

از اوایل قرن هشتم به بعد نویسندگان دو دسته بودند؛ یک دسته که کمابیش در نوشته‌های خود شیوهی خاص کسانی مثل سعدی و به‌ویژه نثر گلستان را پیش چشم داشتند و به مسائل فنی و ادبی نوشته‌های خود توجه می‌کردند. و در مقابل عده دیگری که می‌خواستند ساده بنویسند ولی نوشته‌هایشان بسیار خام بود.<sup>17</sup> البته باید توجه داشت که نویسندگان دیگری هم بودند که در سبک منشیانه راه زیاده‌روی و افراط را پیش گرفتند و از زحمت ایشان کتاب‌هایی مثل تاریخ و صاف و ظفرنامه و امثال آن بر جای ماند که نثرشان اعتدال نثرهای منشیانه را ندارد.

دوره تیموری با این‌که از جهت کیفیت آثار، در شمار ادوار برجسته ادبی ایران نیست، اما از جهت بسیاری ادیبان و شاعران و گسترش ادب، دوره‌ای ممتاز و شایان توجه به شمار می‌رود. اقبال عمومی به شعر و ادب در این دوره چنان است که امیر علی شیر نوائی در تذکره مجالس النفاوس شرح حال ۱۳۲ تن از شاعرانی را که در خراسان و ماوراءالنهر می‌زیسته‌اند، آورده است و دولت‌شاه سمرقندی مؤلف تذکره الشعراء، که فقط شرح احوال شعرای مشهور را آورده، درباره ۴۲ تن از شاعران این دوره سخن گفته است.<sup>18</sup>

صرف‌نظر از ناآرامی‌ها و آشوب‌های حاکم بر ایران در جریان لشکرکشی‌ها و خونریزی‌های تیمور، در دوران حکومت شاهزادگان ادب‌پرور تیموری و با پیدایی حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، مراکز متعددی برای اجتماع شاعران و ادیبان پدید آمد. این مراکز موجبات مردمی شدن فرهنگ و ادب و پراکنده شدن شماری از شاعران عامی و عالم را در دربارها و مراکز ادبی فراهم آورد.<sup>19</sup> چنانکه در میان شعرای این دوره به نام کسانی برمی‌خوریم که پیشه‌ور، کارگر یا سپاهی بوده‌اند.<sup>20</sup> برخی شاعران این دوره حتی از خط و کتابت بهره‌ای نداشتند.<sup>21</sup> تعداد شایان توجه زنان شاعر به دلیل همین اقبال عمومی به شعر و ادب بوده است.<sup>22</sup> امیران و شاهزادگانی چون کیچیک میرزا، سلطان حسین بایقرا، امیر علیشیر نوائی و بدیع‌الزمان میرزا از مشوقان شعر و ادب بودند. بسیاری از این شاهزادگان خود شعر می‌سرودند و صاحب دیوان‌های ترکی و

<sup>16</sup> Mouhammad Tagi Bahar, *Sabk shenasi*, Amirkabir, Tehran 1389, p. 3/6.

<sup>17</sup> Mouhammad Tagi Bahar, *Ibid.*, p.3/11.

<sup>18</sup> Dolatshah-e Samargandi, *Tazkirat-ul- shoara*, Asatir, Tehran 1382, p. 317-541.

<sup>19</sup> Amir Alishir, Navaei, *Tazkere-ye majales-ul- nafaes*, Manouchehri, Tehran 1363, p. 141-147.

<sup>20</sup> Ehsan Yarshater, *Sher-e Farsi dar ahd-e Shahrokh*, daneshgah-e Tehran, Tehran 1383, p. 1/57.

<sup>21</sup> A. Alishir, Navaei, *Ibid.*, p. 166.

<sup>22</sup> Fakhri Heravi, *Tazkere-ye rozat-ul- salatin*, sandi adabi bord, Heydar abad 1968, p. 1/124.

فارسی بودند.<sup>23</sup> در دوره تیموریان، عمومی شدن شعر و ادبیات فارسی، رویکرد به انواع شعری را تحت تأثیر قرار داد، چنانکه قصیده‌سرایی از رونق افتاد و به غزل و قصه‌های منظوم بزمی، که با ذوق عامه مناسبت بیشتری داشتند، بیش از سایر انواع شعر توجه شد، به طوری که این دوره را عصر غزل نامیده‌اند.<sup>24</sup> با رواج بیشتر تصوف و عرفان در این دوره، سرودن غزل‌های عرفانی شیوع بسیار یافت. شاعرانی چون شمس مغربی، محمد شیرین، لطف‌الله نیشابوری، شاه ولی، نعمت‌الله، قاسم انوار تبریزی، کمال خجندی و شیخ آذری، خود از اقطاب زمان به شمار می‌رفتند و مقام ارشاد و هدایت داشتند.<sup>25</sup> نثر فارسی در این دوره به تدریج از تکلفات قرون گذشته آزاد می‌شد و جریان عمومی نثر به مرسل نویسی متمایل بود، چنانکه شمار آثار متکلف در مقایسه با آثار ساده و روان، اندک است. از واژه‌های کهن فارسی کمتر استفاده می‌شد و کاربرد اصطلاحات و لغات و ترکیبات عمومی زبان، رواج بیشتری داشت. یکی از سبب‌های تمایل به ساده‌نویسی این بود که بیشتر نویسندگان توانایی ایجاد آثار مصنوع و متکلف را نداشتند. همچنین برخی از آنان معتقد بودند که در نثر مصنوع و متکلف «مقصود و هدف اصلی فوت می‌شود»<sup>26</sup> باین‌همه، مترسلان و منشیان در حفظ شیوه اسلاف خود کوشش و آثاری متکلفانه خلق می‌کردند. رقابت در آوردن آرایه‌های ادبی و الفاظ عربی، در واقع در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم به اوج خود رسید و بلایی بر سر نثر فارسی آورد که برای یک فارسی‌زبان خواندن متون عربی و ترجمه آن بسی ساده‌تر می‌نمود از خواندن این نوع نوشته‌های متکلف و پیچیده؛ زیرا دست‌کم در خواندن متون عربی صرف دانستن معنی لغات، زمینه‌ی درک متن را فراهم می‌آورد، ولی در متون متکلف این دوره گاهی با وجود دانستن معنی واژگان دشوار، هنوز ذهن خوانندگان از پی بردن به‌منظور نویسندگان عاجز است.

#### • انواع مکاتیب

بر اساس تحلیل نامه‌های بازمانده از این دوره، بر اساس گوناگونی مندرجات و هدفی که در نوشتن آن‌ها بوده به پنج گروه قابل تقسیم است: منشور و فرمان، فتح‌نامه و شکست‌نامه، عهدنامه و سوگندنامه، سلطانیات و اخوانیات.

1. منشور و فرمان. یکی از مشهورترین اقسام مکاتیب این دوره منشور و فرامین بوده که از دیوان رسائل درباره تفویض مشاغل و مناصب بزرگ دیوانی، سیاسی، دینی و علمی مانند وزارت، امارت، سپهسالاری و یا واگذاری اقطاع صادر می‌گشت و به توفیق سلطان می‌رسید.

<sup>23</sup> Sam mirza Safavi, *Tazkere-ye tohfe-ye sami*, Asatir, Tehran 1384, p. 1/14-20.

<sup>24</sup> Mouhammad Reza Shafiei Kadkani, *Adabiat-e Farsi az asr-e Jami ta roozgar-e ma*, Ney, Tehran 1378, p. 1/32.

<sup>25</sup> Edward Granville Browne, *Tarikh-e adabi-e Iran*, Ibn-e Sina, Tehran 1339, p. 3/446.

<sup>26</sup> Zabih-ullah Safa, *Tarikh adabiat dar Iran*, Ferdous, Tehran 1383, p. 3/467.



2. **عهدنامه و سوگندنامه.** از انواع دیگر منشآت این دوره عهدنامه و سوگندنامه است که معمولاً از نظر کیفیت انشاء، دارای مشخصات و ارکان مشابهی است با این تفاوت که عهدنامه، در میان پادشاهان یا سلاطین و ملوک اطراف مبادله می‌شد و سوگندنامه از طرف پادشاهان به ملوک و امرا و دیگر ارکان دولت که عصیان و تمردی کرده و سپس از در انقیاد و اطاعت درمی‌آمدند و مورد عفو و بخشش قرار می‌گرفتند صادر می‌شد. گاهی هم سوگندنامه برای کسانی که بیم طغیان و مخالفت آنان می‌رفت، فرستاده می‌شد تا آن را در برابر گواهان بخوانند و امضا کنند.<sup>27</sup>

3. **اخوانیات.** اخوانیات شامل مکاتبات دوستانه و نامه‌های خانوادگی می‌باشند.

4. **سلطانیات.** سلطانیات یا مکاتیب سلطانی، به نامه‌هایی اطلاق می‌شد که سلاطین به یکدیگر یا به ملوک اطراف می‌نوشتند.<sup>28</sup> اما دکتر زرین‌کوب تعریفی جامع‌تر ارائه کرده و گفته است: سلطانیات مجموعه نامه‌ها و منشآت است که سلاطین به یکدیگر، افراد صاحب‌نام و معروف خطاب به سلاطین و یا بزرگان حکومتی می‌نوشتند.<sup>29</sup> دکتر معین نیز سلطانیات را در برابر اخوانیات قرار داده و آن را مکاتبات شاهی و نامه‌های رسمی و دولتی می‌داند.<sup>30</sup>

#### ارکان سلطانیات

**الف. صدر مکتوب.** معمولاً صدر سلطانیات با نعوت و عناوین و ادعیه عربی یا فارسی، به یکی از طرق زیر آغاز می‌شده است:

- به اسلوب منشآت عربی با کلمه «کتابنا یا کتابی» و در پی آن، ادعیه‌ای عربی با ذکر عناوین و القاب مخاطب و تاریخ و محل صدور مکتوب و بیان احوال مملکت و نظام کشور و نیز نعت رسول. سپس متن نامه از عربی به فارسی منتقل می‌شد.
- با «من فلان الی فلان» به شیوه مکاتیب عربی، اما متصل به کلمه «بداند یا بخواند یا معلوم داند». البته این شیوه، بیشتر در منشآت که از جانب سلاطین به ملوک و وزیران و اصحاب دیوان نوشته می‌شد معمول بوده است.
- به اسلوب اخوانیات و با ادعیه فارسی و حذف عناوین و نعوت و نیز تقسیم عبارات به قطعات متقابل و مسجع.
- با ادعیه فارسی یا عربی و ذکر القاب و عناوین متناسب با تمایز و تفاوت مرتبه کاتب و مخاطب
- با ذکر نام و لقب مکتوب الیه به همراه نعوت مختصر و دعایی کوتاه. این شیوه بیشتر در نامه‌های پادشاهان خطاب به اصحاب دیوان و ملوک و کارگزاران معمول بوده است.

<sup>27</sup> H. Khatibi, *Ibid.*, p. 391.

<sup>28</sup> Mansour Rastegar Fasaee, *Anva-e nasr-e Farsi*, Samt, Tehran 1380, p. 209.

<sup>29</sup> Abd-ul- Houssein Zarrinkoub, *Az gozashte-ye adabi-e Iran*, Sokhan, Tehran 1385, p. 137.

<sup>30</sup> Mouhammad Moein, *Farhang-e Moein*, Amirkabir, Tehran 1371, p. 1911.

ب. رکن شرح اشتیاق. این بخش معمولاً بعد از سلام و تحیت نوشته می‌شد و گاه نیز این قسمت در آغاز مکتوب می‌آمد. همچنین در منشآت که در پاسخ بود و یا با ادعیه شروع می‌گشت، پیش از این رکن از وصول نامه و آورنده آن یاد می‌شد. اگر نامه جنبه دوستانه داشت، شرح اشتیاق در صدر مکتوب می‌آمد لیکن در مکاتیب رسمی، معمولاً این قسمت حذف می‌شد.

پ. رکن اصلی مکتوب. متن اصلی سلطانیات که گاه در موضوع معینی نوشته می‌شد.

ت. انتظارات. این بخش با جملاتی مانند: «منتظرم، منتظر است، توقع چنان است، توقع آن است» و نظایر آن آغاز می‌شد. این قسمت که در اخوانیات از ارکان اصلی بود در سلطانیات تنها در مواردی که نامه جنبه دوستانه و غیررسمی داشت نوشته می‌شد.

ث. پایان مکتوب. پایان سلطانیات معمولاً عبارت از ادعیه‌ای مختصر بود که بیشتر به زبان عربی نگاشته می‌شد.<sup>31</sup>

### ریاض الانشاء خواجه جهان

ریاض و انشاء اثر خامه نویسنده توانا، خواجه جهان عمادالدین محمود گاوآن، از بزرگمردان عرصه سیاست و ادب در دوره تیموری و در هندوستان و دربار شاه بهمن دکنی است. نمونه انشا و نیز شیوه کتابت خواجه جهان الگویی برای کاتبان و مردم بشمار می‌آمد. این اثر مجموعه نامه‌هایی است اعم از اخوانیات و اجوبه که نویسنده به سلاطین و بزرگان عصر، چون جامی و خواجه عبیدالله نوشته است. این مجموعه از سرمشق‌های منشیان در هند شمرده می‌شود و در آن سامان شهرت بسیار داشت و هنوز هم معروف است.<sup>32</sup> در باب سبک بیان و نحوه انشای ریاض الانشاء باید گفت که این اثر به نثر فنی مایل به مصنوع نگاشته شده است، البته با اطناب و تفصیل بسیار در توقیعات و القاب، چیزی که خود نویسنده به آن معترف است.

### 1. بررسی دو نامه سلطانی ریاض الانشاء (نامه 62 و 86)

#### 1-1 نامه سلطانی- غیر سلطانی

در این نامه‌ها، عمدتاً نویسنده نامه، ترسل خود را برای سلطان می‌فرستد. این نوع نامه‌ها بسیار طولانی است و مدح پادشاه، جزء جدانشدنی آن است. نامه 62 از مجموعه منشآت خواجه جهان برای بررسی انتخاب شده است:

#### ارکان نامه 62

- صدر مکتوب: صدر مکتوب این نامه با عناوین مختلف در عنوان و همچنین پس از اشعار فارسی و عربی ابتدایی آمده است. در بخش صدر مکتوب، چهارچوب نامه‌های سلطانی کاملاً رعایت شده است: هم نعوت و عناوین آمده و هم ادعیه فارسی و عربی به صورت شعر. نعوت و عناوین صدر

<sup>31</sup> H. Khatibi, *Ibid.*, p. 402-405.

<sup>32</sup> Zabih-ullah Safa, *Ibid.*, p. 4/508.

مکتوب با عبارات زیر بیان شده است: کتب الی السلطان العادل الكامل مشرف آل رسول قره العین البتول شمس الخلافة و المعدلة سلطان محمد گیلانی.<sup>33</sup> اوصاف و نعوت اصلی پس از ذکر مقدمه از بند اول نامه در صفحه 214 تا بند آخر صفحه 216 ادامه دارد. مؤلف در این نامه، با استفاده از نثر مسجع، شعر عربی و فارسی سلطان محمد گیلانی را ستوده است. هرچند مدح و ستایش مؤلف از سلطان تا انتهای نامه ادامه دارد.

- **شرح اشتیاق:** شرح اشتیاق این نامه در بند آخر صفحه 216 آمده است: «... اگر طایر همت در هوای شرح درد هجران بی قوادم و خوافی باشد<sup>34</sup>...»
- **رکن اصلی:** رکن اصلی این نامه پس از بیت فارسی صفحه 217 آغاز شده: «این نامه ضراعت ختامه اوایل شهر رمضان...» و تا پایان صفحه 219 ادامه دارد. مؤلف در این نامه، گزارشی از اوضاع شهرهای فتح شده می‌دهد و از فرستادن فرزندش عبدالله به دربار پادشاهی خبر می‌دهد.
- **انتظارات:** مؤلف با عبارت: اگر به نظر مهر انارت... توقع خود را از پادشاه مطرح کرده و از وی می‌خواهد با فرزندش به جود و کرم رفتار کند.
- **پایان مکتوب:** دعای پایانی این نامه، یک عبارت فارسی است و مؤلف برای سلطان، دعا می‌کند تا سلطنت جهانی داشته باشد.

## 1-2 نامه سلطانی- سلطانی

مخاطب هر دو طرف از این نامه‌ها، پادشاه است. به همین سبب این نامه‌ها بسیار کوتاه‌ترند و لب کلام در آن مطرح می‌شود. نامه 86 از مجموعه منشآت خواجه جهان برای بررسی انتخاب شده است:

### ارکان نامه 86

- **صدر مکتوب:** صدر مکتوب این نامه با ساختار مرسوم نامه‌های سلطانی متفاوت است. ابتدا حمد و سپاس الهی در آن آمده سپس مؤلف به نعت نبی، خاندان و اصحاب ایشان پرداخته است. به‌جز در عنوان، تنها در لابه‌لای این نامه کوتاه، برخی نعوت کوتاه درباره این دو سلطان آمده است: کتب من لسان السلطان الاعظم العادل محمدشاه البهمنی جوابا عن کتاب ارسل الی خدمته السلطان محمود الخلیجی خلد الله سلطانهما.<sup>35</sup>
- **شرح اشتیاق:** این نامه شرح اشتیاق ندارد.

<sup>33</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, Heydar abad, Sarkar Ali, 1948, p. 214.

<sup>34</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>35</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p.263.

- **رکن اصلی:** رکن اصلی این نامه از بند اول صفحه 264 آغاز شده: «بعد از قبول تحیات عجیبه الآیات...» و تا قبل از دعای پایانی است. مؤلف در این نامه از وصول نامه سلطان محمود الخلیجی خبر می‌دهد که این نامه سبب مستحکم شدن رشته مودت و دوستی خواهد گشت.
- **انتظارات:** در این نامه انتظاری مطرح نشده است.
- **پایان مکتوب:** پایان مکتوب این نامه، ادعیه فارسی است و به صورت نثر آمده است. مؤلف در این بخش دعا می‌کند تا اهتمام سلطان به تقویت شعار اسلام معطوف بوده و خاطر و ذهن وی به قلع و قمع دشمنان مصروف باشد.

## 2. ویژگی‌های سبک‌شناسی

### الف. سطح زبانی و نحوی

این بخش به بررسی ویژگی‌های لفظی، زبانی و نحوی نامه می‌پردازد. مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی و نحوی این دو نامه عبارت‌اند از:

### 1-2 واج‌آرایی

واج‌آرایی تکرار یک یا چند واج صامت یا مصوت در شعر یا در نثر است، که در کلمه‌های یک مصراع یا بیت به‌گونه‌ای که آفریننده موسیقی درونی باشد و بر تأثیر شعر بیفزاید. موسیقی برخاسته از واج‌آرایی صامت‌ها عموماً محسوس‌تر از موسیقی است که از واج‌آرایی مصوت‌ها ایجاد می‌شود. باین‌حال مصوت‌ها نیز تأثیر خاصی در واج‌آرایی داشته‌اند.

### واج‌آرایی در نامه 62:

آ - ن:

- ارجای چمن جهان و الحای گلشن جنان و گلبن بنی نوع انسان<sup>36</sup>
- صماخ زمره سکان دایره امکان و کاخ زمان<sup>37</sup>
- بنده ثناخوان در بوستان احسان آن نوشیروان نشان<sup>38</sup>

### نامه 86:

- صفدران مصاف عرفان و ایقان و مبارزان میدان اظهار ایمان‌اند.<sup>39</sup>

آ - ر

- به انوار ثنا و ذکر جمیل و ازهار دعا و شکر جلیل<sup>40</sup>

<sup>36</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *a,g,e*, s. 214.

<sup>37</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

<sup>38</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>39</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>40</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

- مصباح انوار معدلت و رافت و مراح ارواح خلافت<sup>41</sup>
  - از پرتو نور اخلاص و رنگ رخسار لوعت آثارش پیرهن صبح بر قامت مهر نوار چاک<sup>42</sup>
- \* نامه 86 این نوع واج‌آرایی را ندارد.

## 2-2 ابدال

عوض شدن حرفی با حرف دیگر به دلیل ساده شدن تلفظ را ابدال می‌نامند.<sup>43</sup>

نمونه‌های ابدال در نامه 62:

- خلائف به جای خلائف در عبارت: مشرق آفتاب جهانتاب جعلناکم خلائف<sup>44</sup>
  - تمایم به جای تمائم در عبارت: نیطت علی تمایمی<sup>45</sup>
  - ملایک به جای ملائک در عبارت: صدرنشینان محافل انس باشد و واسطه ملایک قدس.<sup>46</sup>
- \* نامه 86 ابدال ندارد.

## 2-3 درج و تضمین عبارات عربی

این ویژگی سبکی، مخصوص نثر فنی، کتب داستانی و منشآت است و آن عبارت است از استفاده مؤلف از آیه و حدیث، برای آراستن کلام.

نمونه‌های درج عبارات عربی در نامه 62:

- ایزد متعال مسافت جاه و جلال آن سحاب مشرق آفتاب جهانتاب جعلناکم خلائف؛ سلطان تاج از رمیت؛ برجیس سپهر لیذهب عنکم الرجس اهل البیت...<sup>47</sup>
  - آئینه جمال کمال ندع ابنا و ابنائکم؛ سایه‌نشین چتر جعلناک خلیفة فی الارض...<sup>48</sup>
- \* نامه 86 درج و تضمین عبارت عربی ندارد.

## 2-4 استشهاد تمثیل به اشعار فارسی و عربی

یکی از مهم‌ترین مختصه سبکی نامه‌های دیوانی، آرایش سخن با استفاده از اشعار فارسی و عربی است. نگارندگان این نامه‌ها، به اقتضای مقام، چندین بار در یک نامه از این ویژگی استفاده می‌کنند.

### 2-4-1 اشعار فارسی نامه 62:

شاهی که در زمانه ندارد نظیر خویش  
شکرانه واجب است که در روزگار ماست<sup>49</sup>

<sup>41</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, . *Ibid.*, p. 215.

<sup>42</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, . *Ibid.*, p. 216.

<sup>43</sup> Hassan Amid, *Farhang-e Amid*, Ashja, Tehran 1389. p. 51.

<sup>44</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Riad-ul- insha*, p. 215.

<sup>45</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 219.

<sup>46</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>47</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

<sup>48</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

کو سلیمان تا در انگشتش کند انگشتی  
ازل ز جامهٔ جاه تو جیب پیراهن<sup>50</sup>  
که ابر از لطف بارند بخاک تیره بارانی<sup>51</sup>  
که باران به سالی نبارد ز میغ  
ببردند غارتگرانش اسیر  
در رخس کس نتواند که کند تیز نگاه<sup>52</sup>  
که صدر دل به دعای شما معطر کرد  
خلوص خویش دران بارگه مقدر کرد  
میدهد مهرگیاه با شاخ سدره التیام  
وی سایهٔ خدای ازو سایه برمدار  
در یک نظر گوشهٔ چشم تو بسته اند  
لیک نور مهر با ذرات دارد الفتی<sup>53</sup>  
که نور ذاتی خود را ز ما دریغ مدار  
قطار فیض به قطان سطح غیرا بار  
که دست حسن سفارش ز ذیل شاه مدار

هم نبوت در نسب هم پادشاهی در حسب  
زهی قبای بقای ترا ابد دامن  
امید از بخت می‌دارم بقای عمر چندانی  
بباید چندان نم خون ز تیغ  
هرآن‌کو نشد کشته از تیغ و تیر  
هر که در سایهٔ جاه تو بود چون خورشید  
همین شرف ز جهان بس بود دعاگو را  
برای عدت اخلاف و مفخر اسلاف  
زانکه رای مهرسانش گر نماید اهتمام  
ای آفتاب ملک ازو نور وامگیر  
سرمایهٔ سعادت دنیا و آخرت  
گر نظر بر من کنی دورم ز تو بی شبهتی  
نه لایق است به مهر سپهر اعلی گفت  
و یا به بحر سخا طبع و ابر باران گفت  
و لیک مهر ابوت گرفته جیب دلم

#### 2-4-2 شعر فارسی نامهٔ 86:

هزاران آفرین بر جان پاکش<sup>54</sup>

محمد کافرینش هست خاکش

#### 2-4-3 اشعار عربی نامهٔ 62:

كان السما ابل و الشمس الضحی طبل  
سجایاه قاموس لسانی لها سطل<sup>55</sup>  
الا جلال الله جلّ جلاله

فطن صماخ الدهر من صوت صیته  
ترکت بیان المدح عجزا لانه  
و له جلال لیس فوق جلاله

<sup>49</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

<sup>50</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

<sup>51</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>52</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>53</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 219.

<sup>54</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 263.

<sup>55</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

الا نوال الله عم نواله  
و اول ارض مس جلدی ترابه‌ها  
فصادف قلبی خالیاً فتمکنا<sup>56</sup>

و له نوال لیس فوق نواله  
بلاد بهانیت علی تمایمی  
اتانی هواها قبل ان اعرف الهوی

\* نامه 86 شعر عربی ندارد.

### ب. سطح ادبی

در این سطح، ویژگی‌های ادبی اثر بررسی می‌شود؛ ویژگی‌هایی چون میزان بهره‌مندی از آرایه‌های ادبی لفظی، معنوی، علوم بیان و بدیع.

### 1. اضافه تشبیهی (تشبیه بلیغ)

در این نوع اضافه، مشبه و مشبّه به همدیگر اضافه می‌شوند. اگر این اضافه را به صورت یک جمله بنویسیم؛ یک عبارت تشبیهی خواهیم داشت. برای مثال در اضافه: نور علم؛ می‌گوییم: علم مانند نور است.

نمونه‌های تشبیه در نامه 62:

- ارجای چمن جهان؛ الحای گلشن جنان<sup>57</sup>
- انوار ثنا و ازهار دعا و شکر جلیل آن پادشاه.<sup>58</sup>
- از اذابت نار شوق بال مانند قرص خورشید پاک است.<sup>59</sup>
- از پرتو نور اخلاص و رنگ رخسار لوعت آثارش پیرهن بیاض صبح چاک<sup>60</sup>
- سیمرغ عقل و طاووس حواس به اجنحه احساس و شهیر بال پیرامون سرادق بیان آن تواند پرید.<sup>61</sup>
- نه آن اشتعال دارد که تراکم و تصادم سحاب سطور کتاب و تواتر تقاطر الفاظ و کلمات...<sup>62</sup>
- اگر طایر همت در هوای شرح درد هجران بی قوادم و خوافی باشد.<sup>63</sup>
- سر نیاز بر آستان خشوع موضوع است.<sup>64</sup>
- قبله قلوب اهل بال به دستیاری توفیق حضرت متعال مرتفع گردد.<sup>65</sup>

<sup>56</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 219.

<sup>57</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

<sup>58</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

<sup>59</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>60</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>61</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>62</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>63</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>64</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>65</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

- نقش هر مراد که نقشبند خیال بر صحیفه فواد می‌آرد.<sup>66</sup>
- صورت هر امر که دست اندیشه و کلک فکر بر صفحه لوح صدر مینگارد.<sup>67</sup>
- نیرنگ حصول آن در آئینه وجود عینی منظور است.<sup>68</sup>
- غبار موانع از دامن وصول آن دور.<sup>69</sup>
- هر شاخ رجا که در جویبار التجا در آن حضرت مزروع گردد.<sup>70</sup>
- سحاب احسان بر چمن جنان او چنان باران دارند.<sup>71</sup>
- مشاعل مراحم و قنادیل مکارم در صفه صدر و محراب قدرش فروخته گردانند.<sup>72</sup>
- زلال این حال از سرچشمه ایجاد در جویبار طبیعت جاری است.<sup>73</sup>

### نمونه‌های تشبیه در نامه 86:

- بهترین کلام که دره تیجان پیام باشد.<sup>74</sup>
- چهره امن و امان را با صداغ سطور مراسلات بپرداخت.<sup>75</sup>
- در اجتنای ثمار ابداع و اقتنای نقود وصل...<sup>76</sup>
- طایر خاطر بلغای حال به قوت فکر دقیق گرد کنگره کاخ تحقیق آن نتواند پرید.<sup>77</sup>
- بیک تیز تگ فهم به سرحد معرفت کنه اساس آن نتواند رسید.<sup>78</sup>
- انفتاح از اهیر وفاق به هیوب نسیم اشواق مخصوص.<sup>79</sup>

### 2. استعاره مکنیه

در لغت به معنی امانت گرفتن است. در اصطلاح ادبی آن بر دو نوع است: 1. آوردن مشبه با ویژگی‌های مشبّه به 2. آوردن مشبّه به با ویژگی‌های مشبه. نوع دوم هرگاه با ویژگی‌های انسانی همراه باشد، به آن تشخیص یا جان‌بخشی به اشیا گفته می‌شود.

<sup>66</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p.217.

<sup>67</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>68</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>69</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>70</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>71</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>72</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>73</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 219.

<sup>74</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 263.

<sup>75</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 263.

<sup>76</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>77</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>78</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>79</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.



نمونه‌های استعاره در نامه 62:

- پیرهن صبح بر قامت مهر نوار چاک.<sup>80</sup>
- دست تضرع به جناب و هاب امال مرفوع.<sup>81</sup>
- صورت هر امر که دست اندیشه بر صفحه لوح صدر مینگارد.<sup>82</sup>
- غبار موانع از دامن وصول آن دور.<sup>83</sup>
- هر شاخ رجا که در جویبار التجا در آن حضرت مزروع گردد.<sup>84</sup>
- حصول مرادش مشام جان بنده صافی اعتقاد معطر گردد.<sup>85</sup>
- دامن جان از غبار تعلقات مبرا؛ دیده دل به ازهار آن دیار منفتح گشته است.<sup>86</sup>

نمونه‌های استعاره در نامه 86:

- ظلال چتر سلاطین عالی قدر را خال رخسار جهان ساخت.<sup>87</sup>
- چهره امن و امان را با صداغ سطور مراسلات بیرداخت.<sup>88</sup>
- بنیان سکان زمان بودند.<sup>89</sup>
- عنان اهتمام به تقویت شعار اسلام معطوف باد.<sup>90</sup>

3. سجع

به معنای نوعی سخن گفتن موسیقیایی است که سخن موزون و مقفی باشد.<sup>91</sup> سجع متوازی سه نوع است:

1-3 سجع متوازی

در آن دو کلمه، دارای وزن مشترک و حرف آخر یکسان هستند. مانند: کار- بار

نمونه‌های سجع متوازی در نامه 62:

- ارجای چمن جهان و الحای گلشن جنان و گلبن بنی نوع انسان...<sup>92</sup>
- ایزد متعال جلّ عن النقص و الزوال مسافت جاه و جلال.<sup>93</sup>

<sup>80</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>81</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>82</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>83</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>84</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>85</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>86</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 219.

<sup>87</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 263.

<sup>88</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 263.

<sup>89</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>90</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>91</sup> Sirous Shamisa, *Negahi tazeh be badi*, Mitra, Tehran 1386, p.33.

<sup>92</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

- صدرنشینان محافل انس باشد و واسطه ملایک قدس.<sup>94</sup>
- از نکبای نکبت ایام و تعرض خزان انفاس لیام آمن.<sup>95</sup>

نمونه سجع متوازی در نامه 86:

- بهترین کلام که دره تیجان پیام باشد.<sup>96</sup>

2-3 سجع متوازن: در آن دو کلمه دارای وزن یکسان هستند اما حرف آخرشان متفاوت است. مانند: کار- کام.

نمونه های سجع متوازن در نامه 62:

- از ندای کثرت مدائح و صدای صیت محامد.<sup>97</sup>
- نقشبند خیال بر صفحه صحیفه فواد می آرد.<sup>98</sup>
- بر عالم و عامی و خامل و نامی واجب است.<sup>99</sup>

نمونه سجع متوازن در نامه 86:

- رسولی که افاضل ادبا و مصافح خطابای عرب...<sup>100</sup>

3-3 سجع مطرف: در آن حرف آخر دو کلمه یکسان است اما وزن یکسانی ندارند. مانند: کار- شکار.

نمونه های سجع مطرف در نامه 62:

- پادشاه جم جاه نبی نسب، شهنشاه فلک پارگاه سکندر حسب.<sup>101</sup>
- معادل بوستان بی خزان سما و مماثل ریاض فردوس اعلی<sup>102</sup>
- دایره امکان و کاخ کره زمین و زمان<sup>103</sup>

نمونه سجع مطرف در نامه 86:

- طایر خاطر بلغای حال به قوت فکر دقیق گرد کنگره کاخ تحقیق آن نتواند پرید.<sup>104</sup>

4. ترصیع

<sup>93</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

<sup>94</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>95</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>96</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 263.

<sup>97</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

<sup>98</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>99</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 217.

<sup>100</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>101</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

<sup>102</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

<sup>103</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

<sup>104</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

گاهی به جای دو کلمه، دو جمله باهم هماهنگ‌اند. یعنی تقابل سجع‌های دو جمله را هماهنگ می‌سازد. هرگاه تمام کلمات یک جمله با کلمات جمله دیگر، سجع متوازی داشته باشند، ترصیع به وجود می‌آید.<sup>105</sup>

#### 1-4 نمونه های ترصیع در نامه 62:

به انوار ثنا و ذکر جمیل  
و له جلال لیس فوق جلاله  
و ازهار دعا و شکر جلیل<sup>106</sup>  
و له نوال لیس فوق نواله  
إلا جلال الله جلّ جلاله  
الآن نوال الله عمّ نواله<sup>107</sup>  
\* نامه 86 صنعت ترصیع ندارد.

#### 5. جناس

آن است که گوینده در سخن خود کلمات همجنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنا متفاوت باشند.<sup>108</sup> جناس انواعی دارد که در ادامه در این دو نامه بررسی می‌گردد.

1-5 جناس مضارع یا مشابه: جناسی است که در آن دو رکن جناس در حرف اول یا وسط متفاوت باشند.<sup>109</sup>  
نمونه های جناس مضارع در نامه 62:

- دایره امکان و کاخ کره زمین و زمان<sup>110</sup>
- سبیکه هلال پاک است و بر قامت مهر نوار چاک.<sup>111</sup>

#### نمونه های جناس مضارع در نامه 68:

- درود نامعدود که قدم قلم پیرامون کم و کیف آن نتواند گردید.<sup>112</sup>
- اقتنای نقود وصل و فصل...<sup>113</sup>

2-5 جناس زاید: نوعی از جناس است که در آن یکی از ارکان جناس نسبت به رکن دیگر، حرفی اضافه دارد.<sup>114</sup>

#### نمونه های جناس زاید در نامه 62:

- ساحت لامکان مساحت شوق و التیاع<sup>115</sup>

<sup>105</sup> Sirous Shamisa, *Ibid.*, p. 4.

<sup>106</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 214.

<sup>107</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 219.

<sup>108</sup> Jalal-ul- din Homayi, *Fonoun-e sana'at va balaghat-e adabi*, Homa, Tehran 1388, p. 48.

<sup>109</sup> Jalal-ul- din Homayi, *Ibid.*, p. 56.

<sup>110</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 215.

<sup>111</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>112</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 263.

<sup>113</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>114</sup> Sirous Shamisa, *Ibid.*, p. 61.

<sup>115</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

• ملازمت آن سده سدره نشان<sup>116</sup>

• کعبه حرم اقبال و قبله قلوب اهل بال<sup>117</sup>

نمونه جناس زاید در نامه 86:

• رسولی که افاضل ادبا و مصافح خطبای عرب عربا...<sup>118</sup>

• چهره مخدره امن و امان را با صداغ مراسلات...<sup>119</sup>

3-5 جناس خط یا مصحف: جناسی است که دو کلمه در کتابت یکی و در نقطه گذاری متفاوت هستند.<sup>120</sup>

نمونه های جناس خط در نامه 62:

• سحاب احسان بر چمن چنان او چنان باران دارند.<sup>121</sup>

• درگاه خورشید مثال جمشید منال<sup>122</sup>

\* نامه 86 جناس خط ندارد.

4-5 جناس قلب: نوعی از جناس است که در آن حروف دو رکن جناس مقلوب می شود.<sup>123</sup>

نمونه جناس قلب در نامه 62

• خارج داب ادب است.<sup>124</sup>

\* نامه 86 جناس قلب ندارد.

### ب. سطح فکری

در این سطح سبک شناسی، موضوعات مطرح شده در هر اثر بررسی می شود. از نظر فکری، مؤلف نامه 62، گزارشی از اوضاع شهرهای فتح شده می دهد و از فرستادن فرزندش عبدالله به دربار پادشاهی خبر می دهد و از پادشاه می خواهد با فرزندش به جود و کرم رفتار کند. در نامه 86: مؤلف از وصول نامه سلطان محمود الخلیجی خبر می دهد که این نامه سبب مستحکم شدن رشته مودت و دوستی خواهد گشت.

<sup>116</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>117</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>118</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>119</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 264.

<sup>120</sup> Jalal-ul- din Homayi, *Ibid.*, p. 56.

<sup>121</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 218.

<sup>122</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 216.

<sup>123</sup> Jalal-ul- din Homayi, *Ibid.*, p. 65.

<sup>124</sup> Imad-ul- din Mahmoud Gavan, *Ibid.*, p. 219.

### نتیجه‌گیری

تفاوت‌های آشکاری میان نامه‌های سلطانی کتاب ریاض الانشای خواجه عمادالدین گاووان وجود دارد. این نامه‌های سلطانی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: نامه‌های سلطانی‌ای که هر دو طرف سلطان است؛ نامه‌های سلطانی‌ای که یک طرف سلطان و یک طرف منشی است. نامه شماره 86 این کتاب، در گروه اول و نامه شماره 62 در گروه دوم قرار می‌گیرند. تفاوت‌های عمده این دو نامه به قرار زیر است:

ویژگی‌های سبکی	نامه 62	نامه 86
طول دو نامه	پنج صفحه	یک صفحه
واج آرایبی	نشش مورد	یک مورد
ابدال	سه مورد	صفر مورد
درج و تضمین عبارات عربی	سه مورد	صفر مورد
استشهاد به شعر فارسی	شانزده مورد	یک مورد
استشهاد به شعر عربی	نشش مورد	صفر مورد
تشبیه	هفده مورد	نشش مورد
استعاره	هفت مورد	چهار مورد
سجع	ده مورد	سه مورد
ترصیع	سه مورد	صفر مورد
جناس	هشت مورد	چهار مورد
ارکان نامه‌ها	هر پنج رکن رعایت شده است.	صدر مکتوب، شرح اشتیاق و انتظارات رعایت نشده است.

### References

- AMID, H., *Farhang-e Amid*, Ashja, Tehran, 1389.
- BAHAR, M. T., *Sabk shenasi*, Amirkabir, Tehran, 1389.
- BROWNE EDWARD. G. *Tarikh-e adabi-e Iran*, Ibn-e Sina, Tehran, 1339.
- CHRISTENSEN, A. E., *Iran dar zaman-e Sasanian*, Ibn-e sina, Tehran, 1345.
- FAKHRI HERAVI, *Tazkere-ye rozat-ul- salatin*, sandi adabi bord, Heydar abad, 1968.
- FRYE, R., *Asr-e zarrin-e farhang-e Iran*, Seda va sima-ye Iran, Tehran, 1363.
- GAVAN, I. M., *Riad-ul- insha*, Sarkar Ali, Heydar Abad, 1948.
- HOMAYI, J., *Fonoun-e sana'at va balaghat-e adabi*, Sokhan, Tehran, 1388.
- JAHSHEYARI, M. I., *Alvouzara val kouttab*, Dar-ul- fikr-il- hadith, Beyroot, 1348.
- KHATIBI, H., *Fane nasr dar adab-e parsi*, Zovvar, Tehran, 1386.
- MOEIN, M., *Farhang-e Moein*, Amirkabir, Tehran, 1371.
- MOUHAMMADI, M., *Farhang-e Irani pish az Islam va asar-e an dar tamaddon-e Islami va adabiat-e arabi*, Tous, Tehran, 1374.
- NAVAEI, A. A., *Tazkere-ye majales-ul- nafaes*, Manouchehri, Tehran, 1363.
- RASTEGAR FASAEI, M., *Anva-e nasr-e farsi*, Samt, Tehran, 1380.
- ROKNI YAZDI, M. M., *Divan-e resalat va aein-e dabiri az khelal-e tarikh-e beyhagi*, Daneshgah-e ferdousi-e Mashhad, Mashhad, 1374.
- SAFA, Z., *Tarikh adabiat dar Iran*, Ferdous, Tehran, 1383.
- SAM MIRZA, S., *Tazkere-ye tohfe-ye sami*, Asatir, Tehran, 1384.
- SAMARGANDI, D., *Tazkirat-ul- shoara*, Asatir, Tehran, 1382.

SHAFIEI, K., M. R., *Adabiat-e farsi az asr-e Jami ta roozgar-e ma*, Ney, Tehran, 1378.

SHAMISA, S., *Negahi tazeh be badi*, Mitra, Tehran, 1386.

VAHID, A., *Az makatib-e rasool ta rasayel-e abd-ul- hamid va ibn-ul- amid*, Sabzevar: Daneshgah-e Tarbiat Mouallim, Sabzevar, 1381.

YARSHATER, E., *Sher-e Farsi dar ahd-e Shahrokh*, daneshgah-e Tehran, Tehran, 1383.

ZARRINKOOB, A., *Az gozashte-ye adabi-e Iran*, Sokhan, Tehran, 1385.